

آهنگ خاموش پاره پاره شده زمان

نگاهی به رگتایم، اثر ای. ال. دکتروف

پست مدرنیسم شکلی

از بیان روایت است

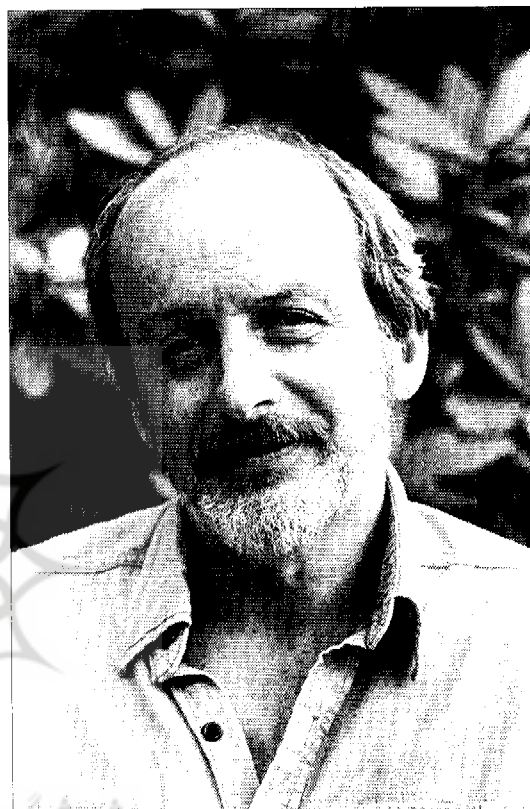
که یک فرض را مسلم

می انکار د

همه چیز از قبل

گفته شده است

امیر تو اکو، نشانه شناس



کتاب

ایدئولوژیک، دنیایی است پر از تب و تاب. بدین گونه در این جهان نابسامان و با وجود آدم‌هایی معنابخسته سبکی به وجود آمد تا همه اصول پذیرفته شده و آداب داستان‌نویسی را زیر سؤال ببرد، سبکی که وجوه خاصی را به خود اختصاص داده است.

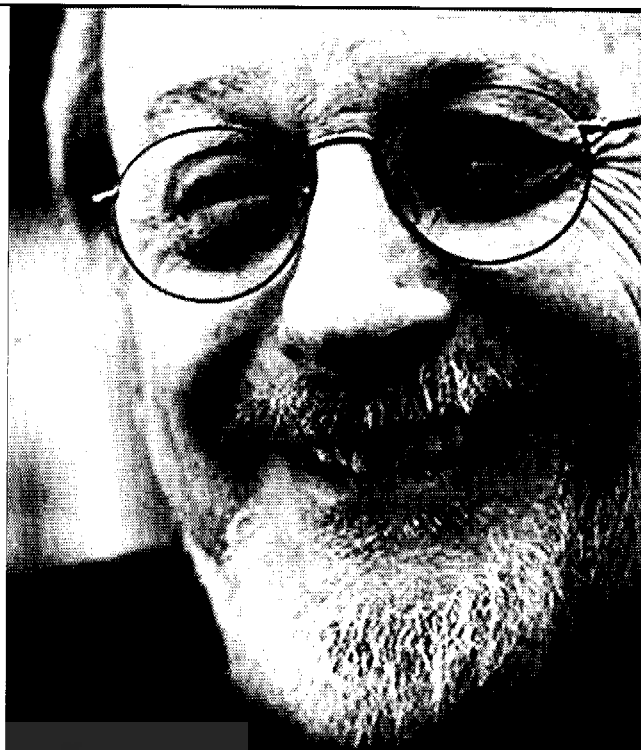
دیوید لاج، پنج مشخصه برای این گونه داستان‌ها در نظر می‌گیرد: تناقض / عدم انسجام / فقدان قاعده / زیاده‌روی / اتصال کوتاه. (داستان پست‌مدرنیسم اما به تعبیر ایهاب حسن وجوه دیگری دارد (اعتقاد به زندگی شهری اخلاق‌ستیزی و معیارشکنی / تجربی بودن حیات / حذف انسان به عنوان عنصر مرکزی / عشق به بدویت / ناگزیری استفاده از آخرین تکنولوژی).

متن رگتایم با وجود آن‌که نامنظم و زیاده‌گو به نظر می‌رسد و دارای داستان چندپاره‌ای است؛ از داستانی شروع و به داستان دیگر ختم می‌شود، از شخصیتی به شخصیت دیگر می‌رسد؛ اما دارای ساختاری کامل و هدف‌مند است. جان‌مایه متن دیدگاه نقادانه نویسنده به تاریخ و جامعه امریکاست. به گفته برایان مک‌هیل

ادگار لارنس دکتروف در سال ۱۹۳۱ در نیویورک به دنیا آمد، او نویسنده رمان‌های پست‌مدرن با مضمون نقد اجتماعی - تاریخی است. دکتروف رگتایم را در سال ۱۹۷۵ منتشر کرد. از آثار دیگر دکتروف می‌توان به کتاب دانیال؛ خوش آمدید به هارد تایمز، سرومروگنده و دریاچه لون اشاره داشت. از دکتروف دو رمان به نام‌های رگتایم و بیل بانگیت به فارسی ترجمه شده است. رگتایم از رمان‌های معتبر در ژانر پست‌مدرن است.

شکوفایی پست‌مدرنیسم را به دو واقعه ربط داده‌اند: ۱. ترور جان کندی ۲. فرو ریختن دیوار برلین.

بری لوئیس در کتاب «مدرنیسم و پسامدرنیسم در رمان» می‌نویسد: «قتل کندی فرجام کتاب‌گونه شومی بود برای دوره‌ای آکنده از تروریسم و شک و دیوار برلین مجاب‌کننده‌ترین نماد جنگ سرد و بدگمانی، ملازم با آن بود. این رویدادها نشان دادند که دنیای ما به سبب تحولات فناورانه پر شتاب و ناپایداری‌های



توصیف، عناصر اجتماعی - سیاسی این رمان

به قدری صریح است که گاه

داستان رنگ نوعی رئالیسم سوسیالیستی

به خود می‌گردد

(ماجرای اما گلدمن و توصیف موقعیت‌های اجتماعی دوران امریکا)

ص ۲۷، نیم‌رخ زن، مانند یک کهکشان جدید در آسمان تاریک روشن شد.
ص ۹۰، ستون‌های افتاب شاد صبحگاهی مثل تیر ساختمانی به پنجره‌های بلند
و گردگرفته بخش تکیه داه بودند.

این توصیفات نامتعارف که همراه با جان بخشی اشیاء (تکیه دادن خورشید به پنجره که عملی انسانی‌ست و به خورشید الصاق شده) خود از خصوصیات کار دکتر ف در ژانر پست‌مدرن است.

البته ناگفته نماند نگارنده نیز مانند «نجف دریابندری» معتقد است، توصیف عناصر اجتماعی - سیاسی این رمان به قدری صریح است که گاه داستان رنگ نوعی رئالیسم سوسیالیستی به خود می‌گیرد (ماجرای اما گلدمن و توصیف موقعیت‌های اجتماعی دوران امریکا).

استفاده از جمله‌های کوتاه و استفاده نکردن از علائم نوشتاری در دیالوگ و قرار دادن دیالوگ‌ها در متن و پیروی نکردن از قواعد نوشتار را نیز می‌توان در بحث نثر عنوان کرد که البته این نیز یکی دیگر از شگردهای این ژانر است. زبان در پست‌مدرن تابع هیچ قراردادی نیست، بلکه در خدمت هستی‌شناسی‌ست. در ژانر پست‌مدرن قرار گرفتن نثر کهن، شاعرانه، حماسی در کنار هم جایز است.

در این رمان شخصیت اصلی و محوری آن چنان که در رمان‌های رئال مشاهده می‌شود، وجود ندارد. شخصیت‌ها و گره‌های‌شان با هم و در کنار هم شکل می‌گیرد و به پیش می‌رود. به گفته دریابندری «قهرمان داستان فرد معینی نیست، بلکه خود جامعه امریکاست. آدم‌ها در برابر جامعه در مرتبه دوم قرار می‌گیرند. نویسنده می‌خواهد تأثیر محیط اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی را بر افراد نشان دهد» ماجرای تاته و این‌که از زندگی کارگری بیزار می‌شود و دیدگاه‌های سوسیالیستی‌اش را کنار گذاشته و راهی تکنولوژی و فیلم‌سازی می‌شود خود مصداق این گفته است. نویسنده با بیان ماجرای پدر کاشف که با آغاز جنگ تنها درصد فروش مواد منفجره و قرارداد بستن با وزیران دولت‌های گوناگون است، این گفته امبرتو اکو را تأیید می‌کند که در کتاب پست‌مدرن مثل پلاتیپوس می‌گوید: «پیشرفت تکنولوژی باعث پیشرفت اخلاقیات در عصر مدرن نمی‌شود» این گفته با رفتار و کردار پدر که نمی‌تواند بر هوی و هوس‌اش در مقابل پول غلبه کند به خوبی آشکار است.

در امریکای صنعتی شده برعکس سال ۱۹۰۰ آغاز داستان که مهاجر و سفیدپوستی وجود ندارد و تنها احساسات خوب سرلوحه فکر و اعمال افراد است انسانی‌ت دیده نمی‌شود و صدای روح دلنواز رگتایم جایش را به صدای رشد صنعت می‌دهد. صنعتی که جواب واکر را تنها با رگبار مسلسل (صدای کنونی) می‌دهد.

در این مجال قصد آن داریم تا ویژگی‌های داستان‌های پست‌مدرن را در رمان

«عنصر غالب ادبیات مدرنیستی، ماهیتی معرفت‌شناسانه دارد ص ۱۳۰ و عنصر غالب در ادبیات پست‌مدرنیستی، ماهیتی هستی‌شناسانه دارد. ص ۱۳۴» نویسنده در این اثر کل هستی و جامعه امریکا را به چالش می‌کشد.

رخداد‌های داستان را امر تصادف و نگاه ضرورت‌مند به آن، که خاص داستان‌های پست‌مدرن است در بر می‌گیرد. حوادثی که به حالت کاتالیزور در ابتدا بیان می‌شود و بعد به شکل هسته در می‌آیند. همان چیزی که جانانان کالر به آن اشاره می‌کند «هسته‌ها رکن‌های اصلی داستان و پیش‌برنده داستان محسوب می‌شوند و کاتالیزورها نقش فرعی دارند» کاتالیزورها گاه لازم‌اند و گاه اطناب به نظر می‌رسند. اما آنچه در این رمان دیده می‌شود حوادثی‌ست که در نگاه اول شکل کاتالیزور دارد و بعد به شکل هسته در می‌آیند؛ از این دست می‌توان به این رخدادها اشاره کرد.

۱. دیدار ایولین با اما گلدمن و سپس دیدارش با برادر کوچک‌تر مادر که بانی روابط بین آن دو می‌شود.

۲. پیدا کردن بچه کوله‌پوش واکر توسط مادر در حال قدم‌زدن و سپس پیدا شدن مادر بچه؛ نگه‌داری آن دو توسط مادر

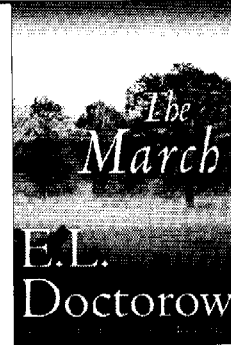
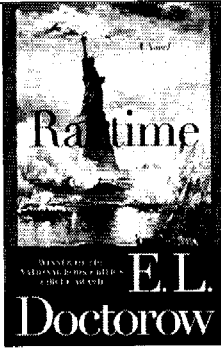
۳. برخورد واکر با آتش‌نشان‌ها و درگیری بین آن‌ها در روزی از روزها.

۴. دیدار مادر و تاته (بارون اشکنازی) در کنار ساحل که بعد از مرگ پدر به ازدواج بین آن دو و نگه‌داری کودک‌ها توسط آن دو می‌انجامد.

۵. دیدار هودینی و هری کی‌تو در مقبره که گویی بانی و دلیل فرار هری کی‌تو از بیمارستان است که بعد خود را هودینی می‌نامد.

از این دست بسیار است و مجال آن در این مقال نمی‌گنجد.

رمان بیش‌تر از صحنه و نمایش دادن در روایت اثر سود جسته است. توصیفات کوتاه و گذران، استفاده از تشبیهات گاه نامتعارف که خاص ژانر پست‌مدرن است مانند: ص ۴۵، حروف عبری به نظرش استخوان‌هایی آمد که کنار هم چیده باشند.



ص ۴۳. به کارگیری بچه‌ها در کار «بچه‌ها غالباً انگشت‌هاشان قطع می‌شد یا سرشان له می‌شد یا پای‌شان می‌شکست... یکصد نفر کارگر معدن زنده زنده می‌سوختند و یکصد بچه شل‌ویل می‌شدند. در قصرهای نیویورک میهمانان لباس‌های زنده به تن می‌کردند تا با این کارگران همسو باشند».

نویسنده به اختلاف جامعه آرمانی و جامعه آخرزمانی‌ای اشاره دارد، که دولت یکی را تبلیغ کرده و دیگری را به کار می‌گیرد. زندگی در فلاکت مردم و شعار هوای سالم برای همه؛ که نویسنده گاه به طنز و گاه به صراحت به آن اشاره دارد. مصداق این گفته است.

۴. بیان عدم قطعیت‌ها ص ۳۱. ماجرای تئودر درایزر در یافتن جهت و سوی صندلی «تمام شب را درایزر با صندلی‌اش دنبال جهت درست دور می‌زد».

ص ۷۷. رابرت پیری و یافتن نقطه قطب شمال «چند قدم به طرف شمال می‌رفت و چند قدم به سمت جنوب... نمی‌توانست سر جایش ثابت بایستد و بگوید این نقطه، همین‌جا، قطب شمال است».

ص ۱۰۷؛ ص ۱۰۸؛ ص ۱۰۹ «اشکال زندگی تغییرپذیر است و هر چیزی در این دنیا به راحتی می‌تواند چیز دیگری بشود»، «اشیاء و آدم‌ها ناپایدارند» هیوم در این رابطه می‌گوید: «علت و معلول همیشه ساخته ذهن ماست، یعنی جهیدن از آن چه می‌بینیم به سوی آن چه نمی‌بینیم» در نتیجه قطعیتی نیست.

۳. استفاده از آدم‌های تاریخی به صورت ساختارشکنی در متن:

استفاده از افرادی چون «زیگموند فروید»؛ «رابرت پیری»؛ «هری کی‌تو»؛ «هودینی» و «روزولت»؛ «جی پی مورگان»؛ «فورد»؛ «اما گلدمن» مبارز سیاسی و «ادیسون» ادیسونی که به فکر اختراع لوله خلأ و در کشف ارتباط با ارواح است. آوردن افرادی چون لینکلن در سال‌هایی که به آن اختصاص ندارد و ساختارشکنی در افراد. داستان‌های پست‌مدرن از تاریخ یا شخصیت‌های تاریخی در متن استفاده می‌کنند تا به نوعی به جعلی بودن تاریخ اشاره داشته باشند و سپس بدین‌گونه به جعلی بودن متن بپردازند و سرانجام به عدم قطعیت‌ها برسند.

۴. استفاده از اصل تضاد و ضرورت‌مند بودن آن در رخدادها که قبلاً گفته شد. دخالت نویسنده به عنوان مفسر در متن و ارائه دادن این‌که مطالب از نوشته‌های برادر کوچیکه برگرفته شده؛ نشان از متن بودن متن دارد و بدین‌گونه اقتدار و دانایی، دانای کل را زیر سؤال می‌برد.

ص ۱۶۳، «این‌جا، با توجه به آن چه بعد روی داد، باید یادآوری کنیم که درباره کوله‌اوس چیز زیادی نمی‌دانیم».

ص ۲۳۷، «از روی دفتر خاطرات روزانه برادر کوچیکه ما خبر داریم که نقشه این بوده است».

۵. ساختارشکنی در نقش پلیس:

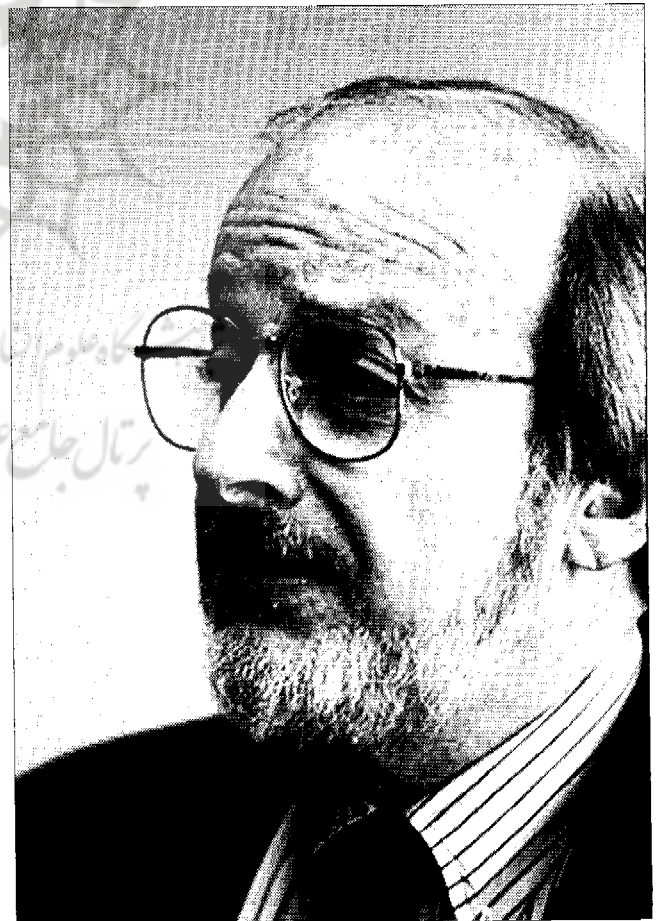
«رگتایم» دکتروف بیابیم و بررسی کنیم.

۱. استفاده از طنز در داستان‌های پست‌مدرن برای به چالش کشیدن مسائل سیاسی، عاشقانه، قوانین اجتماعی و اقتدار دولت‌ها. طنز سیاسی در اثر در صفحات ۲۳، ۷۸، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۲۳ و... دیده می‌شود. «ص ۷۸ آمریکا یک کشور سراسر گوز بود. در این زمان تحول عظیمی داشت ایالات متحده را فرامی‌گرفت. رئیس جمهوری تازه‌ای انتخاب شده بود که یکصد و سی و هشت کیلو وزن داشت... مد شدن هیكلی شدن مردها و تحول عظیم».

ص ۱۰۳، دختر روزولت به فکر حفظ منابع طبیعی بود. او هفده شیر و یازده فیل و بیست کرگدن و هشت اسب آبی و نه زرافه و... شکار کرده بود».

آوردن مسائل سیاسی در متن و اعتراض به آن نیز از دیگر عناصر پست‌مدرن است.

ص ۱۲۳، تبدیل کردن آدم‌ها به ابزاری برای سفت‌کردن پیچ‌های تکنولوژی.



در امریکای صنعتی شده برعکس سال ۱۹۰۰ آغاز داستان که مهاجر و سفیدپوستی وجود ندارد و تنها احساسات خوب سرلوحه فکر و اعمال افراد است انسانی دیده نمی‌شود و صدای روح دلتواز رنگایم جایش را به صدای رشد صنعت می‌دهد. صنعتی که جواب واگر را تنها با رگبار مسلسل (صدای کنونی) می‌دهد

□ خوش‌خون و راحت فهم باشد. پانوشت:

۱. کارل، جاناتان؛ نظریه ادبی؛ ترجمه فرزانه طاهری؛ تهران: نشر مرکز
۲. سلدون، راما؛ راهنمای نظریه ادبی، عباس مخیر، تهران: نشر مرکز
۳. مدرنیسم و پسا مدرنیسم در رمان، گزینش و ترجمه حسن پاینده؛ تهران: نشر روزنگار.
۴. ایگلتون، تری؛ پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز
۵. پست‌مدرن مثل پلاتیوس، ترجمه مجتبی ویسی (برگرفته از مطلبی در روزنامه کارگزاران)
۶. دکتروف، ای.ال؛ رنگایم، نجف دریابندری، ج ۲، تهران: انتشارات خوارزمی ۱۳۸۵

در قدیم کارآگاه‌ها و پلیس‌ها افرادی برتر، عاقل، با هوش سرشار و فوق‌العاده‌تر نسبت به دیگران بودند. در داستان‌های پست‌مدرن این برتری شکسته می‌شود. «ویتمن معروف» در مقابل استدلال‌های پدر (فردی عادی) کم می‌آورد. او از هوش سرشاری برخوردار نیست و سرانجام کار را به دست پدر می‌سپارد. ص ۲۵۷ «ویتمن تو فضا زل‌زده بود. گفت خیلی خب. باشه».

۷. پوچ‌گرایی و مرگ‌طلبی از دیگر عناصر پست‌مدرن است: مسئله خودآگاهی مورگان به مرگ؛ مرگ‌خواهی واگر برای نجات دوستان؛ بی‌نتیجه بودن عمل واگر به گونه‌ای که یک سال بعد مورگان حتی بادی از او نمی‌کند و واکنشگتن و پدر اعمالش را به حساب سماجت می‌گذارند؛ از این دست محسوب می‌شود. پست‌مدرن‌ها معتقدند، حقیقت زاده قدرت‌هاست و به کمک زبان تثبیت می‌شود. چیزی قطعی وجود ندارد و انسان به عنوان کسی که قرار است به شناخت برسد، خود محصول جریان‌های اجتماعی ست. (عمل پدر و تاته)

۸. مرز بین واقعیت و خیال در داستان‌های پست‌مدرن برداشته می‌شود. تدرستی‌های هودینی (که البته شعبده‌بازی‌هایش تا این حد گسترده نبوده) آن‌چنان واقعی بیان می‌شود، که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در دل خواننده به‌وجود نمی‌آورد. نجات مرد در ماجرای برگه‌برداری و یا استفاده از ادیسونی که در این قرن زندگی می‌کند و... همه بیانگر برداشته شدن مرز بین واقعیت و خیال است. «لیوتار» می‌گوید: «پست‌مدرن، نوشتن امر ناممکن را ممکن می‌کند»

غیرواقعی بودن و غیرمنطقی بودن اعمال جزئی از داستان پست‌مدرن است. ۹. مرگ کلان روایت‌ها و بیان تکه تکه روایت‌ها، تکثر روایت. که در این اثر نیز داستانی شروع شده و خاتمه می‌یابد؛ داستانی دیگر از سر گرفته می‌شود. شروع داستان کتاب، بدون مقدمه و بیان گره‌ها در ابتدا نماینده شروع داستان از نیمه است؛ که در ژانر پست‌مدرن دیده می‌شود. (در پست‌مدرن روایت از نیمه آغاز می‌شود و در نیمه پایان می‌یابد)

۱۰. در داستان پست‌مدرن شخصیت‌ها خاکستری‌اند. خیر مطلق و شر مطلق وجود ندارد. جنایتکار و قاتلی مانند واگر، انسان شرافتمندی نیز شمرده می‌شود. عکس واگر با آن لبخند و لباس تمیز نشانی از قاتل بودن او را در بر ندارد. آن‌چه در تصور عموم از قاتل‌ها و جنایتکارها وجود دارد در این متن شکسته می‌شود

در انتها تنها می‌توان گفت، دکتروف رمانی خلق می‌کند که با وجود دارا بودن عناصر پست‌مدرنی، خوش‌خون، جذاب و روان است. در این اثر از ابهام‌نویسی و یا پیچیده‌گویی خبری نیست. دکتروف مانند «ونه‌گات»؛ «کالوینو» و «بارت» اثری در ژانر پست‌مدرن خلق می‌کند تا به طرفداران تازه این سبک که دچار ابهام‌نویسی و پیچیده‌گویی شده‌اند ثابت کند که داستان در مرتبه اول باید

